

پژوهش

حلقه مفقوده برنامه‌سازان

خانم زهرا صفائیان همکاری خود را با رادیو از سال ۱۳۷۱ با برنامه سرودها و نامه‌ها در رادیو تهران آغاز نمودند ایشان به مدت یکسال سردبیر برنامه سلام تهران و همچنین سردبیری برنامه مجله علمی را در این شبکه بر عهده داشتند از دیگر فعالیت‌های خانم صفائیان می‌توان به همکاری وی در طرح ریزی و راه اندازی رادیو جوان، تهیه برنامه مجله پادزادی و تهیه برنامه عصر گلستان اشاره کرد.

گفت‌وگو با زهرا صفائیان
تهیه‌کننده رادیو جوان
● قاطعه شیرین

پیرامون موضوعات مختلف در رادیو به ابر برنامه‌سازی مشغول بوده‌ایدو در این زمینه صاحب تجربه هستید وضعیت کنونی رادیو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
○ در مورد وضعیت فعلی رادیو فکر می‌کنم اگر مسئولین آزادی عمل بیشتری برای برنامه‌سازان قائل نشوند شرایط بسیار بهتر خواهد شد.
به‌طور مثال شخصاً برنامه گپ عصر لته را دوست ندارم زیرا در عین مناسب بودن فضای برنامه شکل ارائه آن را نمی‌پسندم و اگر این اختیار را داشتیم با این سبک و

سؤالاتی پیرامون مسائل اعتقادی طرح می‌شد که همیشه ترس از مطرح شدن آن در افکار عمومی به علت جوانی از بی‌تجربگی خوردن کفر و الخاد و بی‌دینی وجود داشت. مدت دو سال این برنامه ادامه داشت و مدتی است که بنابه صلاحیت مدیران، برنامه عصر گلستان با یکسری تغییرات به سمت تخصصی شدن و مطرح کردن موضوعات مختلف در برنامه‌ها از جمله غرب‌شناسی، قرآن پژوهی انقلاب اسلامی و اخلاق و تربیت پیش می‌رود.
□ با توجه به سوابق کاری شما که،

□ در ابتدا مختصری از برنامه‌هایی که در دست تهیه دارید برای ما بفرمائید؟
○ من برنامه عصر گلستان را تهیه می‌کردم که به طرح و بررسی سؤالات، ابهامات و شبهاتی که برای نسل جوان مطرح بود، می‌پرداخت و کارشناسان حوزه و دانشگاه همراه جوانان به بحث و گفت‌وگو می‌نشتند. فکر می‌کنم، این برنامه در قالب خودش موفق بود چون برای اولین بار صدای ما در برخی حوزه‌ها عظیم‌ترمز را شکست و با مخاطبانش کاملاً رو در رو و صریح حرف زد. در این برنامه

شکل ارائه آن مخالفت می‌کردم. من فکر می‌کنم مدیران محترم دیدگاه‌هایی دارند که

در برخی مواقع برنامه‌سازان ما آزادی حتی بیشتر از یک برنامه‌ساز مشغول در BBC دارندند مثلاً کریستین امان‌پور چند سال پیش برای تهیه گزارش در مورد انتخابات به ایران آمده بود. از ایشان خواستم که مصاحبه انجام دهم ولی گفتند که اجازه مصاحبه ندارند بنده در پاسخ گفتم که فقط در مورد چیزهایی که دیده‌اید و می‌خواهید گزارش کنید صحبت کنید و ایشان گفتند که طبق سیاست‌های سازمان خودشان عمل می‌کنند و اجازه حرف زدن ندارند.

مشخص نیست این دیدگاه‌ها چقدر با دیدگاه مخاطبان در ارتباط و تطابق و هماهنگی است اما به نظر می‌رسد میان این دو فاصله زیادی است، با توجه به موفقیتی که مادر برنامه **عصر گنگمان** داشتیم مدیران به این فکر افتادند که آن را تخصصی کنند. البته تخصصی شدن اشکالی ندارد اما موضوع برنامه زمانی کش دار می‌شود باید سلسله‌وار ادامه یابد. اگر نه شوند خود را از دست می‌دهند. بنابراین مدیران محترم اگر به من برنامه‌ساز که در ارتباط مستقیم با مخاطب هستم آزادی بیشتری را بدهد و باتعمین چارچوب‌های خاص برای برنامه‌سازان بگیرد و خلاقیت او را سلب

نکنند و احساس فرمایشی بودن در وجود او ایجاد نشود، حلقه‌های خاص بین مخاطب و برنامه‌ساز کاهش می‌یابد و حتی از این می‌رود در نتیجه نزدیکی دیدگاه‌های برنامه‌ساز و مخاطب موجب ساخت برنامه‌هایی می‌شود که اثردهی و بازدهی آن را در کوتاه مدت و بلند مدت می‌توان مشاهده کرد. به عقیده من برنامه‌ساز باید در تصمیم‌گیری‌های کلان رادیو حضور مثبت و پویایی داشته باشد. همان‌طور که عرض کردم نگاه یک مدیر با نگاه یک برنامه‌ساز متفاوت است. دیدگاه برنامه‌ساز می‌تواند به مدیر تصمیم‌گیرنده در سازمان کمک نماید تا بهتر به اهداف و جهتی که تعیین شده نزدیک شود. این نکته را به مدیران خودمان هم متذکر می‌شوم اگر برنامه‌ساز بتواند در سطح تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های رادیو حضور داشته باشد می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد چون او در ارتباط با مخاطب است و ابهاماتی برایش روشن است و طبیعتاً زوایای مختلفی را می‌بیند و نگاه کلان‌تری دارد در حالی که مدیران لایه‌هایی که محصور و اثرگذارند و انهمی‌توانند ببینند و این باعث شکاف بین سیاست‌سازان گزیران و آنچه که محصور رادیو است، می‌شود.

□ به نظر شما عوامل ملموس مهارکننده انگیزه و خلاقیت یک برنامه‌ساز چه چیزهایی می‌تواند باشد؟

○ عوامل زیادی وجود دارد شاید خیلی شعاری باشد که من بگویم برنامه‌ساز باید اطلاعات به روز داشته باشد. اما قبل از توضیح به این مسئله لازم است که برنامه‌ساز، تأمین منابع باشد. در این زمینه دیدگاه غلطی وجود دارد یعنی به کسانی که در

زمینه‌های فرهنگی، آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند به عنوان مصرف‌کننده نگاه می‌شود. در حالی که دیدگاه صحیح این است که این فشر را مولد بدلتیم معلم دانش‌آموز هر دو مولدند دانش‌آموز پایه‌های فردا را می‌سازد اگر درست تعلیم دیده باشد و معلم است که با تعلیم دانش‌آموز، رسیدن به فردای بهتر را میسر می‌کند نگاه من برنامه‌ساز مثل نگاه به یک معلم است. درست است که می‌گویند محرومیت باعث می‌شود خلاقیت‌ها شکوفا شود اما در جایی، این محرومیت سبب از بین رفتن انگیزه می‌شود. اگر این محرومیت‌ها در همه جا وجود داشته باشد امکان شکوفایی هست، اما وقتی نگاه تبعیض‌آمیز در این محرومیت‌ها وجود داشته باشد دیگر موجب شکوفایی خلاقیت نخواهد شد چون افراد تأمین نیستند کارهایی که انجام می‌دهند باری به هر جهت است دغدغه آتن و دغدغه مخاطب از بین رفته و دغدغه نان جای آن را می‌گیرد. این اصل فراموش می‌شود این مسئله تبعات بسیاری برای رادیو دارد زیرا از یک سو برنامه‌ساز از مخاطب خود فاصله می‌گیرد و رادیو جایگاه فرهنگی و مولد و جهت‌دهنده خود را از دست می‌دهد و از سوی دیگر مردم از رادیو احساس خستگی می‌کنند چون حرف دل آنها گفته نمی‌شود اگر من به مخاطبم نزدیک باشم و او را درک نمایم و حرف دل او را بگویم آن زمان دغدغه من همان دغدغه مخاطب خواهد بود.

□ با توجه به فرمایشات شما که با وجود مشکلات گوناگون برای برنامه‌ساز دغدغه آتن دیگر جایی در ذهن او نخواهد

من فکر می‌کنم مدیران دیدگاه‌هایی دارند که مشخص نیست این دیدگاه‌ها چقدر با دیدگاه مخاطبان در ارتباط و تطابق و هماهنگی است اما به نظر می‌رسد میان این دو فاصله زیادی است

داشت به نظر شما این امر باعث نمی‌شود که به نوعی کیفیت برنامه‌ها ضعیف شود و اینجا وضعیت مخاطب چه می‌شود آیا باید نادیده گرفته شود؟

○ برنامه‌ساز باید خیلی با وجدان باشد که چنین اتفاقی نیفتد. ما در مدینه فاصله به سر نمی‌بریم. آدم‌های خاکی هستیم در روی زمین زندگی می‌کنیم و مدام در حال دست و پنجه نرم کردن با مسائل روزمره زندگی هستیم.

طی‌رغم خستگی شدید و فشار زندگی همکاران تمام سعی خود را در کار برنامه‌سازی به کار می‌گیرند اما تا حدی می‌توان با این مسائل مبارزه و در مقابل مشکلات ایستادگی کرد. فشارهای مختلف مشکلات همیشه باعث آیدیده شدن نمی‌شوند در بعضی مواقع باعث له شدن افراد می‌شوند. برنامه‌ساز مشکلات زیادی دارد و افراد او را تأمین نمی‌کند و مجبور است که چند جای دیگر کار کند؛ در تلویزیون یا با سازمان‌های مختلف با تدریس و... حالا برنامه‌ساز چندتر غنی است که بتواند کارهای فکری متعددی را انجام دهد. تولید یک ساعت برنامه رادیویی ساعت‌ها مطالعه نیاز دارد آیا این فضا و شرایط هست که تولید انبوه در برنامه‌سازی داشته باشیم و این امر آیا تولید فکر را هم به دنبال دارد؟ آیا این کمیت ناشی از فشارها و دغدغه‌های روزمره فرد را به سمت تولید انبوه سوق نمی‌دهد و آیا ما می‌توانیم در چنین شرایطی به تولید فکر

هم بپردازیم. به نظر من رادیو محل تولید اندیشه و فکر است. برای اندیشه نیاز به تغذیه فکری است. مگر برنامه‌ساز چندتر اطلاعات دارد که مدام تولید نماید اما فکرش تغذیه نشود.

□ به نظر شما در رادیو جوان، برنامه‌سازی تا چه حد مبتنی بر تحقیقات علمی و تخصصی است و شما در تهیه برنامه‌ها تا چه حد به پژوهش در زمینه مخاطب‌شناسی متکی هستید؟

○ این امر بستگی دارد به اینکه من کجا و کی هستم و با چه انگیزه‌ای کاری را انجام می‌دهم. اگر به برآورد کلی رادیو‌ها نگاه کنید تحقیق و پژوهش جایگاه خیلی پایین دارد. من باید به دلیل علاقه شخصی که به برنامه در حال ساخت دارم به سراغ اخبار روز و اطلاعات علمی بروم اما در چارچوب گروه برنامه‌سازی، برآوردی برای پژوهش در نظر گرفته نمی‌شود. همکاران زیادی را می‌شناسم که تلاش بسیاری در این زمینه دارند و با عشق کار می‌کنند.

□ به نظر شما واحدهای پژوهش چندتر می‌توانند در امر برنامه‌سازی به برنامه‌ساز کمک نمایند و شما با واحدهای پژوهشی سازمان چندتر در ارتباط هستید؟

○ مراکز پژوهشی می‌توانند کمک‌های خوبی به برنامه‌ساز بکنند به شرطی که اولاً تحقیقاتی که انجام می‌شود در ارتباط با نیاز برنامه‌ساز باشد ثانیاً تحقیقی که انجام شد باید به‌موقع به دست برنامه‌ساز برسد ثالثاً وقتی که کار پژوهشی به اتمام رسید در

کتابخانه مدیران محترم همان‌طور بسته‌بندی شده باقی نماند و به دست برنامه‌ساز برسد. تا از آن استفاده شود بسیاری از تحقیقاتی که شخصاً پی‌گیری کرده‌ام و اداره کلی تحقیق و توسعه به صورت کتاب منتشر کرده صرفاً به دفاتر مدیران فرستاده شده است. سؤال من این است که مراکز تحقیقاتی بر چه اساس کار پژوهشی انجام می‌دهند؟ آیا با مدیران جلسه می‌گذارند؟ اگر چنین باشد، اشتباه است و آن حلقه مفقوده هم همین جا مشخص می‌شود. مراکز پژوهشی جزء سیاست‌گذاران هستند و باید در تعیین اولویت‌های تحقیقی چند نفر از برنامه‌سازان حضور داشته باشند اگر این کار انجام شود نیازها از درجه‌های مختلف بررسی می‌شود. شخصاً تقاضاهایی از تحقیق و توسعه داشتم اما تقاضای من در چرخه سیستم نامه‌نگاری اداری افتاد و اگر هم بعد از مدتی چیزی به دستم رسیده زمان استفاده آن گذشته بود. به نظر من رادیو روزانه است و باید با لحظاتی پیش رفت. من نمی‌توانم منتظر پژوهش‌های مراکز پژوهشی باشیم و رادیو را متوقف کنیم. مراحل انجام پژوهش در این مراکز به قدری طولانی است که در طی آن مسائل جدید مطرح و مسائل قبلی فاقد اهمیت شده‌اند. به همین دلیل ما با تشکیل کمیته‌ای که به امر نیازسنجی بپردازد و با پیش‌بینی چالش‌های آینده استراتژی‌های بلند مدت راسانه را تعیین نماید، نیاز داریم. تا رادیو را برپا می‌ماند. مواجه شدن با مشکلات گوناگون آفراده نمی‌ماند. کشور ژاپن برنامه‌ها بلند مدت ۲۰ ساله مشخص می‌کند چرا می‌تواند روش را ندریسیم چه اشکالی دارد؟! خوشبختانه نرم‌افزار آن را داریم و خیلی از همکاران خیلی را هم می‌شناسم که حرف‌های زیادی برای گفتن دارند این کمیته‌ها می‌توانند مشکل از این عزیزان باشد تا برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای رادیو تعیین شود. متأسفانه ما همه چیزمان را سیاسی می‌بینیم و آفت‌زده شده‌ایم.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات

مراکز پژوهشی می‌توانند کمک‌های خوبی به برنامه‌ساز بکنند به شرطی که اولاً تحقیقاتی که انجام می‌شود در ارتباط با نیاز برنامه‌ساز باشد ثانیاً تحقیقی که انجام شد باید به‌موقع به دست برنامه‌ساز برسد ثالثاً وقتی که کار پژوهشی به اتمام رسید در کتابخانه مدیران محترم همان‌طور بسته‌بندی شده باقی نماند و به دست برنامه‌ساز برسد



فرهنگمان هم سیاسی شد. سیاست چیز بدی نیست علم تدبیر است اما آنچه که رساته ما به آن مبتلا شد، علم تدبیر نیست بلکه سیاست زدگی است.

شما برای بهرروز کردن اطلاعات لازم در حوزه کارهایتان به خصوص که در یک

آمار دقیقی ارائه دهم، آنها با دقت و نکته بینی زیادی بر جزئی نگری تأکید دارند. به طور مثال اگر بناسات از قول کارشناسان مطلبی عنوان شود حتماً باید ذکر شود که کدام کارشناس یا کدام طیف از کارشناسان چنین نظری دارند. توجه به این دیدگاه، ما

می توانستیم استخراج کنیم و امکان پیرنت گرفتن هم فراهم بود اما اینجا برای یک صفحه کپی باید اول نامه مربوطه را مدبر اعضا نمایم بعد بتواتیم اقدام کنیم. پس باید حداقل امکانات فراهم باشد تا برنامه ساز به کیفیت برنامه اش فکر کند. نکته مهم در این



**اگر ما در برنامه کپ
عصرانه به جای اینکه در
استودیو بنشینیم و از چند
جوان دعوت کنیم به پارک
می آمدیم و همراه با
کارشناس با جوان ها
می نشستیم حرف می زدیم
نتایج بهتری به دست
می آمد**

را از کلی نگری بیرون می آورد و موجب می شود جزئی تر به مسائل نگاه کنیم. و مشخص و صریح به موضوع بپردازیم برنامه سازان ما طرخی عالی برنامه می نویسند و اهداف عالی بسیاری هم که مناسب رادیو نیست در آن می گنجاندند در حالی که اهداف ماباید مشخص باشد، دنبال لفظهای پرطناب بودن که خوشایند خواننده طرح باشد قابلهای ندارد. این نگاه باید عوض شود تا نشوند هم احساس راحت تری داشته باشند و من برنامه ساز مجبور به انجام کارهای کلیشهای نباشم. باید به طرح من که محصول فکر من است احترام بگذارند. مشکل ما این است که طرح هاجها بنگاه معنوی و مادی خود را ندارند.

به نظر شما برای اینکه به سطح کیفی از تجارب جهانی در امر برنامه سازی و مدیریت برنامه سازی برسیم چه تدابیری

دوره آموزشی این بود که به ما یاد دادند اگر به طور نمونه در مورد قلع اطفال می خواهید برنامه بسازید اطلاعات کلی و لازم را اینترنت در اختیار شما می گذارد، اما لزوماً قرار نیست که همه این اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار دهید اما ما اینجا مخاطب را با میلیون اطلاعاتی خسته می کنیم در حالی که می توان اطلاعات را در یک بسته بندی زیبا و به زبان مخاطب ارائه کرد. این نکته بسیار، دوره تأکید آنان بود که داکلاس کمپل از BBC مدام بر سر این قضیه با ما صحبت می کرد و به این نکته تأکید می کرد که برنامه ساز باید به کارشگر و نویسنده برنامه اش توصیه نماید که چگونه بنویسد و مجموعه عوامل برنامه ساز باید بدانند که چه می گویند؟ چگونه باید ارائه دهند؟ من برای ارائه یک آمار کوچک پیرامون موضوعی که کار می کردم مجبور بودم چندین صفحه مطالعه کنم تا

شیکه تخصصی یعنی رادیو جوان مشغول هستید به چه منابعی نیاز دارید و از چه منابعی استفاده می کنید؟

من نیاز دارم که تازه ترین کتاب های روز دنیا را در اختیار داشته باشم همچنین امکان استفاده از اینترنت را داشته باشم تا بهتر به سوزهای مورد نظرم دسترسی داشته باشم. در مورد کارهای تحقیقاتی هم همان طور که عرض کردم پژوهش ها دچار بوروکراسی اداری می شود و در زمان مناسب به دست ما نمی رسد به هر حال اگر ما بخواهیم سیستم استودیوها را دیجیتال کنیم باید سخت افزار و نرم افزار مناسب آن را نیز فراهم نمایم و این شرایط در رادیوی ما فراهم نیست، در طی دوره آموزشی در مرکز آموزشی رادیو هلند یک لب تاب در اختیار هر کدام از برنامه سازان بود و هر زمان هر اطلاعاتی که مورد نیاز بود

باید اتخاذ شود. و چه مواعیتی در این راه وجود دارد؟

○ به نظر من برنامه‌ساز، در ابتدا نیازمند تغییر نرم‌افزاری در سطح مدیریت‌ها هستیم. وقتی نتیجه حاصل شد باید ضمن آنکه به آخرین تکنولوژی‌های روز مجهز می‌شویم، چگونگی استفاده از آن را هم بیاموزیم و فرهنگ استفاده از آن را هم ایجاد نماییم. مثلاً دسترسی به اینترنت کمک زیادی به ما می‌کند اما با ایجاد حساسیت‌هایی که ابزار می‌شود خودبه‌خود جوانان را به سمت و سوی دیگری سوق می‌دهیم. به نظر من مدیر رسانه‌ای، نگاه رسانه‌ای و فرهنگی به رسانه داشته باشد نه یک نگاه سیاسی. فرهنگ یک کشور دررسانش هویدا می‌شود امام رحمة‌الله علیه فرمودند رادیو و تلویزیون دانشگاه است؛ دانشگاه محل علم و آموزش است آیا دانشگاه سیاسی است؟ خیر هر چیز باید در جایگاه خودش قرار گیرد.

□ شاید به این خاطر است که رسانه‌ها ما یک رسانه دولتی است؟

گزارش درمورد انتخابات به ایران آمده بود. از ایشان خواستم که مصاحبه انجام دهم ولی گفتند که اجازه مصاحبه ندارند بنده در پاسخ گفتم که فقط درمورد چیزهایی که دیده‌اید و می‌خواهید گزارش کنید صحبت کنید و ایشان گفتند که طبق سیاست‌های سازمان خودشان عمل می‌کنند و اجازه حرف زدن ندارند. البته باعث تعجب من شد که او آزادی نداشته تا یا او مصاحبه انجام شود و خوب که فکر کردم به این نکته پی بردم آزادی که او در اختیار نداشت من دارم درحالی که آزادی که من در جای دیگر می‌خواهم او دارد اما من از آن بی‌بهره‌ام.

□ به نظر شما ایجاد شبکه‌های تخصصی رادیویی مانند رادیو قرآن، معارف، فرهنگ، جوان و... چقدر می‌تواند موثر باشد؟

○ تعدد شبکه‌های مختلف، مخاطب‌های متعدد را به دنبال خواهد داشت برای احترام به مخاطب هر شبکه باید بتوانیم با نگاه ویژه، در حیطه هر شبکه برنامه بسازیم. از برنامه‌ساز رادیو جوان این انتظار نمی‌رود

مصالح رسانه همان سیاست‌گذاری‌هاست آیا برنامه‌ساز که نوک حمله است و مستقیماً با مخاطب در ارتباط می‌باشد در این سیاست‌گذاری‌ها دخالت دارد. آیا من بهتر نمی‌توانم نیاز مخاطبم را در سیاست‌گذاری‌ها منعکس نمایم وقتی سیاست‌گذاری‌ها علمی شد، مصلحت را به‌ز دربرمی‌گیرد

شهرستان علوم انسانی و مطالعات

که در قالب رادیو سامری برنامه‌سازی کند. برنامه‌ساز متکلم بنگاه مخاطب خود برنامه‌های سازد مخاطب من جوان است. وقتی ما تعدد شبکه داریم تعدد مخاطب هم پیدا می‌کنیم اما برای این کار تعدد نگاه را ایجاد نکرده‌ایم.

□ شما چگونه نگاه مخاطب را به دست می‌آورد؟

○ در بسیاری از کشورهای جهان رسانه‌های دولتی وجود دارد. اما به ظاهر هم که شده برخی مواقع آزادی بیشتری فراهم می‌شود، البته نمی‌توان گفت که ما آزادی کمتری داریم؟ در برخی مواقع برنامه‌سازان ما آزادی حتی بیشتر از یک برنامه‌ساز مشغول در BBC دارند مثلاً کرستین امان‌پور چند سال پیش برای تهیه

ما مخاطب را با بمباران اطلاعاتی خسته می‌کنیم در حالی که می‌توان اطلاعات را در یک بسته‌بندی زیبا و به زبان مخاطب ارائه کرد.

○ من با مخاطب خود زندگی می‌کنم. مخاطب ما جوان است و باید با یک جوان قدم بزنی و زندگی کنی و در میان آنان حضور داشته باشی. اگر من برنامه صدای دانشجو را پخش می‌کنم این برنامه باید در خوابگاه‌های دانشجویان ضبط شود

غیرنگار ما به خوابگاه برود و از نزدیک تمامی مسائل روزمره آنها را لمس کند از انتظار کشیدن او برای سوار سرویس شدن تا دغدغه انتخاب واحد و دغدغه‌های علمی، رفاهی و آموزشی او؛ اگر غیر از این باشد این برنامه صوری می‌شود حتی اگر ما در برنامه یک عهصره به جای اینکه در استودیو بنشینیم و از چند جوان دعوت کنیم به پارک می‌آیدیم و همراه با کارشناس با جوان‌ها می‌نشستم حرف می‌زدیم نتایج بهتری به دست می‌آمد دغدغه من فقط ساخت یک برنامه کیفی بود و اگر پنج ساعت وقت می‌گذانتم این زمان مفیدی بود. حالا به من می‌گویند این کار را انجام دهید ولی با چه تأمین مالی، من پنج ساعت از روز را وقت بگذارم تا یک ساعت برنامه بسازم.

□ خود هر حال اگر که نگاه عوض شود و تغییر نرم‌افزاری مدیریت صورت گیرد و برای ورود نیرو به رادیو معیاری درست گذاشته شود و نگاه مدیر برای جذب نیرو فکورانه شود و یک نگاه رسانه‌ای برای انجام کارها مهیا شود نیروهای خلاق و اهل مطالعه که در خارج از این سازمان هستند با این تغییر نگاه امکان حضور در عرصه‌های برنامه‌سازی را پیدا خواهند کرد.

□ بسا توجه به اینکه شما یک دوره



آموزشی را در مرکز آموزشی رادیو هلند طی کردید، در مقایسه با کشور خودمان وضعیت آموزشی رادیو را چگونه می‌بینید؟

آموزش از مسائلی است که در سازمان ما با نگاه دغدغه‌های کمیته همراه است. دوره‌هایی که تالان بوده بد نیست، اما باید تکرار شود تا اشکالاتش بیرون بیاید البته به شرط اینکه مسئولان ما انتقادپذیر باشند. آنچه که بوده اگرچه کارایی مثبتی نداشته و کاربردی نبوده است اما تهیه‌کننده‌های رادیو توانستند با یکسری افراد ارتباط برقرار نمایند. عده‌ای از این افراد با تجربه‌های خوب و تئوریه و کلاسه نشده و عده‌ای هم دارای اطلاعات خوب اما فاقد توانایی لازم برای انتقال این اطلاعات بودند. پیشنهاد من این است که در یک یا دو دوره از اسناد بین‌المللی دعوت شود، با آنها گفت‌وگو شود و به‌نوعی به خودمان

موسیقی از مقولاتی است که درگیری فکری زیادی در میان تهیه‌کننده‌ها ایجاد کرده و آنها بیشتر به موسیقی‌های جدید روی آوردند. ما نیاز به تولید موسیقی درست داریم یعنی هر موسیقی چه جایگاهی دارد. هر شبکه موسیقی خاص خود را داشته باشد

زده‌یکشان کنیم تا اشکالات کار ما مشخص شود تا بتوانیم در چارچوب استانداردهای برنامه‌سازی در سطح جهان برنامه‌سازی کنیم. ترس از دیده شدن، مطرح نشدن نداشته باشیم چه اشکالی دارد سابقین مختلف مطرح شود و بهترین آنها برگزیده شود اگر درست بود آن را حفظ می‌کنیم و اگر غلط باشد آن را کنار می‌گذاریم.

نظر شما در مورد ارزیابی و نظارت در امر برنامه‌سازی و همچنین در مورد استفاده از کارشناسان خارج از سازمان برای این منظور چیست؟

به نظر من باید نظارت و ارزیابی قبل از پخش برنامه‌ها باشد. نظارت بعد از پخش اصلاً کارگشا نیست بلکه مانع کار بوده و ایجاد تنش می‌نماید. نظارت زمانی خوب است که قبل از پخش آن هم در مرحله‌ای که مطرح در حال بررسی است صورت

می‌گیرد، کسی که برنامه مرا نظارت می‌کند باید باسوادتر از من باشد تا بتواند ارزیابی بهتری داشته باشد در این صورت است که تنش‌ها کاهش می‌یابد در هیچ جای دنیا نظارت بعد از پخش وجود ندارد. نظارت و ارزیابی باید در کنار برنامه‌ساز قرار گیرد و ستاوار او باشد. فکر می‌کنم بهتر این است که کمیته‌ای متشکل از یک فرد علمی و یک فرد رساله از پیش‌گويان در کنار هم که مکمل یکدیگر باشند قرار گیرند در این حالت برنامه‌ساز بهترین طرح را می‌تواند ارائه دهد چون به لحاظ فکری تغذیه می‌شود.

کاربرد موسیقی در رادیو چه قدر تخصصی است و نظر شما در این مورد چیست؟

موسیقی از مقولاتی است که درگیری فکری زیادی در میان تهیه‌کننده‌ها ایجاد کرده و آنها بیشتر به موسیقی‌های جدید روی آوردند. ما نیاز به تولید موسیقی درست داریم یعنی هر موسیقی چه جایگاهی دارد. هر شبکه موسیقی خاص خود را داشته باشد. تولید موسیقی در سازمان باید متناسب با تعدد شبکه‌ها و تعدد مخاطبان این شبکه‌ها باشد. موسیقی

رادیو جوان با رادیو فرهنگ باید متفاوت باشد موسیقی می‌تواند معرف شبکه خود باشد. ما تعریف خاص و درستی از موسیقی و کاربرد درست آن در برنامه‌سازی نداریم و سلیقه‌ای

در مورد آن تصمیم گرفته می‌شد مثلاً موسیقی که در تلویزیون استفاده می‌شود در رادیو مجاز به استفاده از آن نیست. ما نیاز به تولید موسیقی داریم. و برای این کار باید به دنبال آهنگ‌سازهای مشهورمان باشیم و

رادیو محل تولید اندیشه و فکر است. برای اندیشه نیاز به تغذیه فکری است. مگر برنامه‌ساز چقدر اطلاعات دارد که مدام تولید نماید اما فکرش تغذیه نشود

ببینیم چند نفر از آنها با مرکز موسیقی سازمان همکاری دارند اگر این شرایط مهیا نیست این فضا را جهت همکاری ایجاد نمی‌ایم. ما به علت ارزان و کم خرج بودن موسیقی پاپ به تولید آن به آن پرداختیم به نگاه مخاطبان اهمیت ندادیم سطح سلیقه‌اش را هم تزل دادیم.

به‌طور کلی چگونه می‌توان بین نیاز مخاطب و انگیزه‌های فرد برنامه‌ساز و مصالح رسانه تعامل ایجاد کرد؟

به نظر من مصالح رسانه همان سیاست‌گذاری‌هاست این برنامه‌ساز که نوک حمله است و مستقیماً با مخاطب در ارتباط می‌باشد در این سیاست‌گذاری‌ها دخالت دارد. آیا من بهتر نمی‌توانم نیاز مخاطب را در سیاست‌گذاری‌ها منعکس نمایم وقتی سیاست‌گذاری‌ها علمی شد،

مصطلحات را نیز دربر می‌گیرد.

آیا در پستانا اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

من از خواننده‌ها، دوستان و پیش‌گويان و بزرگوارانی که دیدگاه‌های مرا مطالعه می‌کنند می‌خواهم که انتقاد خود را مطرح نمایند و آماده شنیدن دیدگاه‌های مخالف و نقد حرف‌هایم هستم.

